

خبر

پیام رهبری خطاب به ملت ایران به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان، سرداران نظامی و دانشمندان هسته‌ای

دشمنان ایران آهن سرد می‌کوبند

حرکت نظامی و علمی شتابنده‌تر پیش خواهد رفت

به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان، سرداران باکفایت نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای کشور توسط رژیم خبیث و جنایتکار صهیونی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیامی صادر کردند. به گزارش دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم، ملت سرافراز ایران!

چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان عزیزمان، که در میان آنان سرداران باکفایت نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ئی بودند، فرا رسید. این ضربه را گروه حاکم خبیث و جنایتکار صهیونی که دشمن ردل و عنود ملت ایران است وارد آورد. بی‌شک فقدان فرماندهانی چون شهیدان باقری و سلامی و رشید و حاجی‌زاده و شادمانی و دیگر نظامیان، و دانشمندانی چون شهیدان طهرانچی و عباسی و دیگر دانشمندان، برای هر ملتی سنگین است. اما دشمن ابله و کوتاه‌بین به هدف خود نرسید. آینده نشان خواهد داد که هر دو حرکت نظامی و علمی شتابنده‌تر از گذشته به سمت افق‌های بلند پیش خواهد رفت انشاءالله. شهیدان ما خود راهی را برگزیده بودند که گمان دستیابی به مرتبه والای شهادت در آن کم نبود و سرانجام به آنچه آرزوی همه فداکاران است رسیدند؛ بر آنان گوارا باد؛ اما ناگواری آن برای ملت ایران بویژه خانواده‌های شهیدان و بویژه کسانی که آنان را از نزدیک می‌شناختند سخت و تلخ و سنگین است. در این حادثه نقاط درخشانی را نیز بروشنی می‌توان دید. اولاً تحمل و صبوری و استحکام روحیه بازماندگان که در نوع خود جز در تحولات جمهوری اسلامی ایران دیده نشده است. ثانیاً استقامت و ثبات دستگاه‌های زیر امر شهیدان، که نگذاشتند این ضربه سنگین، فرصت‌ها را سلب و در حرکت آنان وقفه ایجاد کند. و ثالثاً شکوه پایداری معجزه‌آسای ملت ایران که در اتحاد و استحکام روحی و عزم راسخ آنان بر ایستادگی یکپارچه در میدان به ظهور رسید. ایران اسلامی در این حادثه یک بار دیگر استواری بنیان خود را نشان داد. دشمنان ایران آهن سرد می‌کوبند. ایران اسلامی به توقفِ آلهی روز به روز قوی‌تر خواهد شد باذن الله. مهم آن است که ما از این حقیقت، و از تکلیفی که از سوی آن بر دوش ماست غفلت نکنیم. حفظ اتحاد ملی وظیفه یکایک ما است. شتاب لازم در پیشرفت دانش و فناوری در همه بخش‌ها وظیفه نخبگان علمی است. حفظ عزت و آبروی کشور و ملت، تکلیف بی‌اماض گویندگان و قلم‌زنان است. مجهز کردن روزافزون کشور با ابزارهای حراست از امنیت و استقلال ملی، وظیفه فرماندهان نظامی است. جدیت و پیگیری و به نتیجه رساندن کارهای کشور وظیفه همه دستگاه‌های مسئول اجرایی است. هدایت معنوی و نورانی کردن دلها و توصیه به صبر و سکینه و ثبات مردمی وظیفه حضرات روحانی است. و حفظ شور و شوق و شعور انقلابی وظیفه یکایک ما و بویژه جوانان است. خدای عزیز رحیم همگان را موفق یدارد.درد بر ملت ایران و سلام بر جوانان شهید، بر بانوان و کودکان شهید، و بر همه شهیدان و داغداران آنان.

والسلام علیکم و رحمةالله

سیدعلی خامنه‌ای، ۳/۱۳/مرداد۱۴۰۴

«(شرق) وضعیت شکننده سیاسی اسرائیل پس از جنگ ۱۲روزه را واکاوی می‌کند

بی‌بی در آستانه سقوط؟

بی‌اعتماد و فرسوده شده و دیگر آن شور ملی گرایانه گذشته را ندارد.

ابهام در انتخابات؛ محاسبه‌گری احزاب و سکوت اجباری اپوزیسیون

به توجه به نکات یادشده، حالا سؤال مهم این است که چرا با وجود سقوط ائتلاف، هنوز انتخابات زودهنگام برگزار نشده است؟ پاسخ در پیچیدگی‌های کنست و تمایلات بقاگرایانه احزاب نهفته است. هیچ‌کدام از بازیگران فعلی، چه در ائتلاف و چه در اپوزیسیون، از چشم‌انداز انتخابات زودهنگام احساس امنیت نمی‌کنند. احزاب مذهبی اگرچه از ائتلاف جدا شده‌اند، اما هنوز به‌طور کامل پشت نتانیاوو را خالی نکرده‌اند؛ چراکه او را تنها سیاست‌مداری می‌دانند که ممکن است خواسته‌هایشان را در مورد سربازی قانونی کند. از سوی دیگر، اپوزیسیون، با ترکیبی مبهم از لاپید، گانتس، بنت و دیگران، هنوز نتوانسته اَلترناتیوِی منسجم ارائه دهد. تغییرات روزافزون در صف‌آرایی حزبی، ثبِت احزاب جدید و عدم قطعیت در مورد وزن سیاسی چهره‌هایی همچون گادی آیزنکوت یا هندل، باعث شده فضای پیش از انتخابات بیشتر شبیه یک آشوب مه‌آلود باشد تا رقابت انتخاباتی کلاسیک.

نتانیاهودر سایه ترامپ: اتحاد یا وابستگی؟

نتانیاهو در حالی صحنه سیاست اسرائیل را هدايت می‌کند که دیگر نمی‌توان او را بازیگری مستقل در عرصه سیاست خارجی تلقی کرد. نزدیکی او به دونالد ترامپ که در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش بارها امتیازاتی تاریخی به تل‌آویو اعطا کرده بود، اکنون وارد مرحله‌ای از وابستگی شده که مرزهای استقلال سیاسی اسرائیل را دگرگون کرده است. ترامپ در بازگشت خود به قدرت، بمب‌های سگرشکن دو هزار پوندی را به اسرائیل داد، تحریم شهرک‌نشینان را لغو کرد و حتی در جنگ با ایران نیز در کنار اسرائیل ایستاد. اما هم‌زمان، به‌رغم ظاهر حمایتی، نشانه‌هایی از فاصله‌گذاری نیز دیده می‌شود؛ از تماس‌های پنهانی با حماس گرفته تا گفت‌وگو با حوثی‌ها و حتی مذاکره مجدد با ایران. همه اینها نشانه‌هایی است از بازی پیچیده ترامپ با نتانیاوو، بازی‌ای که در آن «بی‌بی» باید دائماً خود را مفید و وفادار نشان دهد، بدون آنکه مطمئن باشد حمایت پایدار خواهد بود.

فروپاشی درونی ائتلاف؛ مسئله سربازی و مشروعیت سیاسی

بحران خدمت سربازی برای ارتدوکس‌های افراطی، عملاً آغازگر انحلال آرام ائتلاف نتانیاوو بود. دو حزب مذهبی اصلی یعنی «شاس» و «یهودیت متحد توراتی» پس از دهه‌ها همراهی با دولت‌های راست‌گرا، این بار در واکنش به رای دادگاه عالی اسرائیل مبنی بر لغو معافیت کلی طلاب یشوواها از ائتلاف خارج شدند. این خروج، دولت را از اکثریت ۶۷ کرسی به اقلیت ۴۹ کرسی رساند. این فروپاشی صرفاً عددی نیست، بلکه نشان‌دهنده شکاف عمیق میان اجزای ائتلاف است. در قلب این شکاف، تضاد میان خواست‌های سکولارهای امنیت‌گرا با مطالبات دینی‌حریدی هافزار دارد. نتانیاوو دیگر نمی‌تواند هم‌زمان رضایت نظامیان، تندروهای راست‌گرا و احزاب مذهبی را جلب کند. نتیجه، وضعیتی است که از لحاظ فنی دولت هنوز باقی است، اما عملاً در حال احتضار سیاسی است.

جنگ ۱۲روزه؛ تاکتیک فرار یا قمار استراتژیک؟

ورود مستقیم اسرائیل و آمریکا به یک تقابل نظامی تمام‌عیار با ایران، تصمیمی بود که هم در سطوح امنیتی و هم در سطوح سیاسی جنجالی شد. اگرچه در ظاهر این عملیات بخشی از پاسخ به تهدید هسته‌ای ایران معرفی شد، اما واقعیت آن است که نتانیاوو آن را به‌عنوان ابزاری برای تقویت جایگاه خود در افکار عمومی و سرکوب بحران داخلی به کار گرفت. با وجود این، نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد این راهبرد فقط یک اثر موقت داشته است. احزاب ائتلاف نه‌تنها محبوبیت پایدار کسب نکردند، بلکه در برخی نظرسنجی‌ها حتی کاهش یافتند. تحلیلگران داخلی اسرائیل به‌درستی اشاره می‌کنند که جامعه اسرائیلی نسبت به جنگ،

دیپلماسی ایران دارد که دیگر صرفاً به تقابل ایدئولوژیک متکی نیست.

چین و روسیه؛ بهره‌برداری از خلأ غربی

در سایه جنگ تحمیلی اسرائیل به ایران، مسکو و پکن با فرصت‌طلبی دقیقی وارد میدان شده‌اند. چین با ارائه ابتکار صلح منطقه‌ای تحت عنوان «امنیت جمعی آسیای غربی»، تلاش کرده خود را به‌عنوان بازیگر بی‌طرف اما تأثیرگذار معرفی کند. این در حالی است که مسکو، با تلاش برای نقش‌آفرینی بیشتر در مقولاتی همچون پرونده هسته‌ای، توازن قوا را تغییر داده است. همچنین هر دو کشور روسیه و چین از فرسایش جایگاه آمریکا در منطقه به‌شدت بهره‌برداری اقتصادی کرده‌اند. امضای توافقات امنیتی میان ایران و چین به‌طور غیرمستقیم پیام‌هایی روشن برای تل‌آویو و ریاض داشته‌اند که نظم منطقه‌ای دیگر صرفاً تحت هژمونی واشگتن طراحی نمی‌شود. این چندجانبه‌گرایی جدید، به‌ویژه در واکنش به اقدامات تهاجمی ترامپ، فضای سیاست‌ورزی در منطقه را پیچیده‌تر از همیشه کرده است.

بازیگران فلسطینی؛ میان بازسازی و رقابت

در پی جنگ ۱۲روزه، غزه بار دیگر به صحنه ویرانی شدید بدل شده است. اگرچه اسرائیل کوشید این بار با هدف قراردادن زیرساخت‌های حماس، قدرت این گروه را در نوار غزه تضعیف کند، اما واقعیت آن است که در خلأ سیاسی و نظامی ایجادشده، گروه‌های کوچک‌تر و پراکنده‌تری دست به تجدید قوا زده‌اند. از سوی دیگر، کرانه باختری نیز شاهد ناآرامی‌هایی بی‌سابقه است. محمود عباس عملاً جایگاه اجرایی ندارد و دولت خودگردان تحت فشار شدید داخلی و خارجی قرار گرفته است. این خلأ می‌تواند مسیر را برای چهره‌هایی دیگر باز کند که هر یک چشم به رهبری بعدی فلسطینی‌ها دارند. در چنین فضایی، ترامپ با طرح «نهایی‌سازی پرونده غزه» در همکاری با مصر و امارات، می‌کوشد با کمک‌های مالی بازسازی و وعده‌هایی مبهم، حماس را به میز مذاکره بکشد؛ تلاشی که تاکنون با بی‌اعتمادی شدید همراه بوده است.

وضعیت منطقه؛ پایان نظم سابق، آغاز بی‌نظمی پایدار؟

آنچه اکنون در خاورمیانه در حال وقوع است، نه بازگشت به نظم پیشین آمریکامحور، بلکه شکل‌گیری نوعی از «بی‌نظمی پایدار» است؛ وضعیتی که در آن هیچ قدرتی توان اعمال کامل هژمونی ندارد و بازیگران منطقه‌ای به‌جای وابستگی، از چندقطبی‌شدن برای چانه‌زنی حداکثری بهره می‌برند. ترامپ گرچه با سیاست‌های تهاجمی و حمایت کامل از اسرائیل کوشید قدرت خود را به رخ بکشد، اما نتایج این اقدامات نشان داده که منطقه امروز دیگر آمادگی پذیرش سلطه کامل یک جانبه را ندارد. سیاست‌های داخلی آمریکا نیز این را تایید می‌کند؛ زیرا مخالفت‌ها با حمایت‌های بی‌قیدوشرط از اسرائیل، نه‌تنها از سوی دموکرات‌ها، بلکه حتی از سوی برخی جمهوری‌خواهان نئومحافظه‌کار نیز مطرح شده است. همین شکاف در سیاست داخلی آمریکا، تأثیر مستقیمی بر فضای دیپلماتیک خاورمیانه گذاشته است.

جمع‌بندی؛ لحظه تصمیم‌گیری برای همه

در پایان می‌توان گفت حمله به ایران در ژوئن سال ۲۰۲۵ نه‌فقط برای ترامپ و نتانیاوو، بلکه برای کل منطقه لحظه‌ای سرنوشت‌ساز را رقم زد. دولت اسرائیل اگر نتواند از این بحران داخلی بعد از تجاوز به ایران خارج شود و هم‌زمان نتواند پاسخ‌گوی فشارهای امنیتی بیرونی ناشی از تداوم کشتار و جنایات در غزه باشد، ممکن است با تغییراتی بنیادین مواجه شود؛ تغییراتی که می‌تواند حتی به پایان حیات سیاسی نتانیاوو بینجامد. از سوی دیگر، ایران در موقعیتی قرار گرفته‌که با تلفیق مقاومت و دیپلماسی می‌تواند نقش بازیگر تعیین‌کننده‌تری را ایفا کند. چین و روسیه نیز در حال سرمایه‌گذاری بلندمدت بر این ناپایداری‌ها هستند.

اما همه این مسیرها در نهایت به یک نقطه گره خورده‌اند: تصمیمات بعدی ترامپ. آیا او در راستای تداوم جنگ‌های نیابتی حرکت خواهد کرد یا با نوعی مصالحه، به دنبال پیروزی نمادین در سیاست خارجی خواهد رفت؟ هرکدام از این انتخاب‌ها نه‌تنها سرنوشت اسرائیل و ایران، بلکه چهره آینده کل منطقه را تغییر خواهد داد.

لونژین

Elegance is an attitude

LONGINES

SARMAN Co.

شرکت سرمان

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN



CONQUEST